

میزگرد* انسجام ملی و نقش بسیج در آن (۲)

شرکت کنندگان

دکتر محمد علی هرمزی زاده، دکتر مهدی مطهرنیا، دکتر محمد باقر حشمت زاده،
رسول سنائی راد، غلامرضا محمدی

اشاره

رهبر معظم انقلاب با توجه به شرایط حاکم بر جهان، سال ۱۳۶۸ را سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» نامگذاری کردند. در شرایط حساس کنونی، وفاق و وحدت ملی از مهم ترین امور محسوب شده و تقویت همبستگی مردم از ملزومات بدیهی است. در عصر حاضر که آماج حملات دشمنان بر پیکره و بنیان فکری و دینی مسلمانان افزایش چشمگیری داشته است، نادیده گرفتن اساس وحدت و همگرایی در مسیر آموزه های اسلامی نابخشودنی است. هنگامی که رهبر معظم انقلاب بر احیای شعارهای اسلامی تأکید می کنند، مبین آن است که با تشدید حملات دشمنان، بر اتحاد مسلمانان لازم است در حراست از ارزشهای اسلامی، از شکافهای احتمالی موجود میان امت اسلامی بکاهند. فصلنامه مطالعات بسیج با درک شرایط حاکم و اهمیت انسجام ملی و تأثیرات عمیقی که این موضوع می تواند در امنیت کشور و تأمین اهداف انقلاب اسلامی داشته باشد، بر

*. این میزگرد در مرکز مطالعات ارتش ۲۰ میلیونی سازمان تحقیقات و مطالعات بسیج برگزار گردیده است.

آن شده تا با طرح این موضوع در محافل علمی، نقشی را که بسیج با توجه به فرصتها و توانمندی‌های خود می‌تواند در این عرصه ایفا کند، از منظرهای مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. گزارش اولین نشست پیرامون موضوع «انسجام ملی و نقش بسیج در آن» در شماره ۳۳ فصلنامه ارائه شد، اینک گزارش دومین نشست آن ارائه می‌گردد.

هرمزی زاده: عوامل انسجام ملی را می‌توانیم در دو دسته اصلی دسته‌بندی کنیم: ایرانی بودن و مسلمان بودن.

ایرانی بودن: بدون شک یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های انسجام ملی، ایرانی بودن است. ایرانی بودن شامل موارد متعددی است؛ از جمله اینکه: یک تاریخ مشترک داریم؛ افتخارات تاریخی مشترکی داریم که بخشی از هویت ما را می‌سازند؛ قهرمانان تاریخی مشترکی داریم که همه آنها را می‌شناسند و به آنها احترام می‌گذارند؛ در سطح ملی به پیشرفتهای علمی‌ای مثل دانش انرژی هسته‌ای دست یافته‌ایم که به آنها افتخار می‌کنیم؛

پیروزی‌های ورزشی هم در این مقوله جای می‌گیرند؛ همچنین موفقیت‌های علمی دانش‌آموزان ایرانی در المپیادهای مختلف که موجب افتخار ماست و چیزهایی از این قبیل؛ یعنی هر چیزی که باعث می‌شود ما به عنوان یک ایرانی، احساس افتخار و همبستگی بیشتری کنیم و کل جامعه در این احساس با ما شریک باشند. احساس پیروزی افتخار و سربلندی و این احساسات مشترک، افراد جامعه را به هم پیوند می‌دهد و همه را به سوی یک هدف واحد رهنمون می‌کند.

ایرانی بودن شامل اجزا و عناصر زیادی می‌شود؛ حتی رهبران سیاسی نیز می‌توانند بخشی از آن باشند. وقتی رئیس‌جمهوری در سفرهای مختلف خود با مردم دیدار می‌کند و رفتار خوبی با آنها دارد، مردم احساس نزدیکی با او می‌کنند و دوستش دارند. و احساس افتخار می‌کنند که ایرانی هستند و چنین رئیس‌جمهوری دارند.

حتی رهبر هم در بُعد سیاسی در این مقوله مطرح می‌باشد؛ چرا که رهبری به عنوان ولی فقیه و مجتهد دارای بعد اسلامی است، ولی به عنوان فرد اول کشور، بُعد سیاسی دارد که مردم به آن افتخار می‌کنند. پس آن بُعد رهبری که جنبه ایرانی بودن را شامل می‌شود، در این حوزه می‌گنجد.

اسلامی بودن: اسلامی بودن مؤلفه‌هایی دارد از جمله باورهای دینی که اکثر مردم به آنها اعتقاد دارند. اعتقاداتی مثل توحید، نبوت، معاد، امامت، نماز، روزه و خیلی اعتقادات دیگر. اینها باعث یکدلی و یکزبانی و در کنار هم قرار گرفتن مردم می‌شود. تمام عناصر که به مسلمان بودن ما مربوط می‌شود، ما را در کنار هم قرار می‌دهند. در بعضی از مردم عنصر ایرانی بودن قوی‌تر است و در بعضی دیگر، اسلامی بودن؛ ولی در مجموع این دو مؤلفه هستند که باعث می‌شود آحاد مردم به هم پیوند خورده و انسجام داخلی و اتحاد ملی شکل بگیرد.

عوامل دیگر مثل نظام اسلامی، قانون اساسی و ... می‌توانند ذیل این دو مورد بیان شوند.

سنائی راد: در انسجام ملی، بخشی مورد اشاره قرار گرفت که می‌شود بر ایرانی بودن و اسلامی بودن تأکید داشت. آنچه می‌تواند انسجام بخش باشد، از طرفی عقاید و ارزشها و منافع مشترک است و از طرف دیگر، دشمن مشترک؛ یعنی عاملی که در بحر آنها به شکل برنامه‌ریزی شده برای ایجاد انسجام ملی به کار می‌رود وجود یک دشمن مشترک است. مثل کاری که آمریکا پس از فروپاشی شوروی انجام داد.

دشمنی آمریکا و تصویر سازی افکار عمومی در این خصوص، می‌تواند عامل افزایش انسجام داخلی و در نهایت اتحاد ملی گردد.

علاوه بر آن، تأکید بر وجوه مشترک و هویت ساز، به انسجام ملی کمک می‌کند که از آن جمله می‌توان به تاریخ و سابقه و پیشینه مشترک اشاره کرد.

محمدی: مؤلفه‌های انسجام ملی را از دیدگاهها و منظرهای مختلف می‌توان مورد بررسی قرار داد؛ ولی چند عامل هستند که تقریباً تمامی صاحب نظران بر روی آن اتفاق نظر دارند که عبارتند از:

قدرت ملی: قدرت ملی مجموعه‌ای از متغیرها و عناصری است که سبب افزایش ظرفیت نظام سیاسی می‌شود. یک کشور به هر میزان که از قدرت ملی بالایی برخوردار باشد، از ظرفیت مناسبی نیز بهره‌مند است. هر قدر قدرت ملی افزایش یابد، به همان میزان انسجام ملی نیز افزایش می‌یابد. انسجام ملی یک کشور در تعامل متقابل، به قدرت ملی کمک کرده و قدرت ملی نیز در نهایت، احساس ملی را افزایش می‌دهد. قدرت ملی در بعد داخلی به عواملی مثل تولید، توسعه و رشد اقتصادی، توسعه سیاسی، افزایش توان تکنولوژیکی و قدرت دفاعی، همسانی فرهنگی و کارایی دولت بستگی دارد.

ملیت: ملیت، عامل بسیار مهمی محسوب می‌شود. حس ایرانی بودن و تعلق داشتن به یک تمدن دیرینه با اماکن باستانی و وجود یک فرهنگ غنی می‌تواند عاملی برای اتحاد ملی و انسجام بخش جامعه باشد.

منافع ملی: هدفهایی وجود دارند که اولیه و همیشگی هستند و مردم و دولت در صدد تحصیل و حفظ آنها در صحنه بین‌المللی می‌باشند. این هدفهای همیشگی عبارتند از: حفظ تمامیت ارضی، حفظ جان مردم، حفظ نظام اجتماعی و حاکمیت کشور.

براین اساس منافع ملی می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد انسجام ملی به‌شمار آید. سرزمین و تمدن: یکی دیگر از عوامل ایجاد انسجام ملی وجود تمدن و فرهنگ باستانی به پهنای تاریخ است. در کشورهایی که مردم آن از اصالت تمدنی کهن با تمامی ابعادش برخوردار هستند، میزان انسجام ملی بسیار بالاست. استفاده از این عوامل در سطوح مختلف می‌تواند انسجام ملی را در بین اقوام مختلف جامعه ایجاد کند.

دین و مکتب: از دین و مکتب به عنوان مهم‌ترین عنصر فلسفی و ایدئولوژیک انسجام ملی یاد شده است. کشور ما با حدود ۹۸ درصد مسلمان، از پتانسیل بالایی برای استفاده از این اصل برای ایجاد انسجام ملی برخوردار است. احترام به ادیان آسمانی دیگر و پیروان آنها می‌تواند پیروان ادیان دیگر را در انسجام ملی دخیل کند. تأکید اسلام بر وحدت و پرهیز از تفرقه، عامل مهمی در اتحاد ملی است.

بیات: سه عنصر در انسجام ملی دخیل هستند:

هماهنگی ساختاری: بر این مبنا تمامی رده‌های یک ساختار باید در جهت رسیدن به هدف واحد و اجرای روند تعریف شده خود، با هم هماهنگ باشند. اگر چنین باشد، انسجام افزایش و در غیر این صورت باعث افت ضریب انسجام ملی خواهد شد. ثبات سیاسی: یکی دیگر از عوامل انسجام در مقولات مختلف از جمله انسجام اجتماعی، ثبات سیاسی جامعه است. هر چه قدر ثبات سیاسی در جامعه بیشتر باشد، میزان انسجام هم بیشتر است و بر عکس، هر قدر ثبات سیاسی کمتر و برخوردهای سیاسی و تشّت آرا و نظرات سیاسی بیشتر باشد، میزان انسجام ملی کمتر خواهد بود. وحدت نمادین: بعضی نمادها موجب وحدت اقشار مختلف جامعه می‌شوند. لذا توجه و استفاده از آنها در جهت انسجام ملی بسیار مؤثر خواهد بود.

مطهرنیا: انسجام ملی را باید به صورت موضوعی بررسی کنیم. برای مثال:

- موقعیت شناسی انسجام ملی؛
- آسیب شناسی انسجام ملی؛
- ظرفیت شناسی انسجام ملی.

بررسی انسجام ملی از این منظر، کالبد شکافی عمیقی از انسجام ملی در اختیار ما قرار می‌دهد که با استفاده از آن، می‌توانیم روند انسجام ملی را برنامه‌ریزی کنیم. اما در خصوص مؤلفه‌های انسجام ملی، چند مورد ذیل را می‌توان بررسی کنیم:

هویت شناسی: هویت شناسی نقطه تشابه انسجام ملی و خط تداوم انسجام ملی است. به عبارت دقیق‌تر؛ نقطه اتکای انسجام ملی، مقوله هویت شناسی است. برای مثال اگر براساس فرض فوق ایرانی بودن و مسلمان بودن را در انسجام ملی مدنظر قرار دهیم، ایرانی بودن، نقطه تشابه انسجام ملی و مسلمان بودن خط تداوم انسجام ملی است. شکافهای انسجام ملی هم در این مقوله مطرح است که شامل پان ایرانیسم، و پان مدرنیسم است.

البته هر کدام از این شاخصها، نیاز به مباحث عمیق و طولانی دارد به عنوان مثال،

یکی از عناصر مطرح و قابل بررسی در موقعیت شناسی انسجام ملی، پاسخگویی به توقعات مردم است. عدم توان پاسخگویی به توقعات جامعه و مردم، باعث شکاف بین ملت و دولت و در دراز مدت باعث کم شدن انسجام ملی خواهد شد. بر این اساس، نیازمند بررسی همه جانبه این مؤلفه‌ها هستیم تا بتوانیم نسخه‌ای مناسب برای بالا بردن انسجام ملی پیدا کنیم.

حشمت زاده: بنده عرایضم را با این پرسش آغاز می‌کنم که سازمان بسیج در این رابطه چه کار می‌خواهد بکند و چه نقشی دارد؟ در این نقش یابی و نقش سازی آیا جایگاه انسجام را می‌دانیم؟

به نظر بنده در خصوص مؤلفه‌های انسجام ما سه عنصر داریم: افکار؛ روابط؛ ساختار. آفت در هر کدام از این سطوح، می‌تواند بر انسجام ملی تأثیر منفی بگذارد. بسیج با توجه به موقعیت خودش می‌تواند آلیاژی از قدرت، مشروعیت و هویت به وجود آورد و از آن طریق بتواند بر روی انسجام ملی تأثیر گذار باشد. به عنوان مثال؛ مشارکت، یک شاخص مهم انسجام ملی است.

بسیج می‌تواند در بالا بردن میزان مشارکت (در عرصه‌های مختلف) اقدام کند.

به امید اینکه مباحث این میزگرد مورد توجه خوانندگان گرامی قرار گرفته باشد. فصلنامه مطالعات بسیج از هر گونه پیشنهاد، راه حل و نظری که به روشن شدن هر چه بیشتر ابعاد موضوع کمک کند، استقبال می‌نماید.

پرتال جامع علوم انسانی